

سیر خلقت نورانی حضرت زهرا(سلام الله علیها)

<?xml encoding="UTF-8?">

حدیث امام صادق



در حدیثی از امام صادق - علیه السلام - آمده است که: «جز خدا هیچ نبود، پس خداوند پنج نور را از جلال و عظمت خود آفرید و برای هر یک از آن انوار، اسمی از اسمی الهی بود. خدا «حمید» است و این اسم در محمد - صلی الله علیه و آله - ظهور یافت. خدا «اعلی» است که در امیرالمؤمنین علی - علیه السلام - ظهور یافت. و برای خدا «اسمای حسنی» وجود دارد که نام حسن و حسین - علیهما السلام - از آن اسما مشتق است. و از اسم «فاطر» او، نام زهرا ی اطهر، فاطمه اشتقاق پیدا کرد پس وقتی که آن انوار را آفرید، اینها را در میثاق قرار داد، پس در طرف راست عرش جا گرفتند. و خدا فرشتگان را از نور آفرید پس وقتی که فرشتگان به این انوار نظر کردند، امر و شأن اینها را بزرگ شمردند و تسبیح را (از آنها) فراگرفتند و این مطابق گفته ی فرشتگان است که در قرآن آمده است: به حقیقت ما (در انتظار اوامر الهی در تدبیر عالم) صف کشیده ایم. و به راستی ما تسبیح کننده ایم، و آن هنگام که آدم - علیه السلام - را آفرید آدم به سوی این انوار از طرف راست عرش با دقت نظر نموده و عرض کرد: ای صاحب اختیار من! آنان کیستند؟ خدای متعال در پاسخ فرمود: ای آدم! آنها برگزیدگان من و خواص من هستند، اینها را از نور عظمت و بزرگی ام آفریده ام و از اسمهای خودم اسمی را برای اینها برگزفتم، پس عرض کرد: ای پروردگارم! به حق که تو بر اینها داری اسمهای اینها را به من بیاموز، پس خدای متعال فرمود: ای آدم! این اسمها نزد تو امانت باشد (که) سرّ و رازی از راز من است. غیر تو نباید برآن آگاه شود چه به اذن من، عرض کرد: پروردگارم قبول کردم. خداوند پس از گرفتن این پیمان، اسمهای آنها را به آدم - علیه السلام - تعلیم داد. و به فرشتگان عرضه کرد، هیچ کدام به آنها عالم نبودند، پس در پاسخ قول خدای متعال که فرمود: مرا از نامها اینها

خبر دهید اگر راست می گویند، عرض کردند: منزهی تو! برای ما علمی نیست جز آنچه به ما آموخته ای. همانا تو عالم و دارای حکمتی. (آنگاه خداوند) فرمود: ای آدم! فرشتگان را به اسمهای آن انوار خبر ده، پس وقتی که اینها را به اسماء خبر داد، فرشتگان دانستند که این مطلب (در نزد آدم) به امانت گذاشته شده و آدم به سبب آگاهی از آن، فضیلت و برتری یافته است. سپس امر به سجده ی آدم – علیه السلام – شدند؛ زیرا که سجده ی ملائکه، فضیلتی برای آدم و عبادت برای خدای متعال بود. چون که سجده ملائکه، سزاوار آدم بود» (۱)

۱- تفسیر فرات، ص ۱۱، ط نجف.

علت آفرینش هستی حضرت زهرا سلام الله علیها و اهل بیت

رسول خدا فرمود: هنگامی که خدای تعالی حضرت آدم ابوالبشر را آفرید و از روح خود در او بدمید، آدم به جانب راست عرش نظر افکند، آنجا پنج شبه غرق در نور به حال سجده و رکوع مشاهده کرد، عرض کرد: خدایا قبل از آفریدن من، کسی را از خاک خلق کرده ای؟ خطاب آمد: نه، نیافریده ام. عرض کرد: پس این پنج شب که آنها را در هیئت و صورت همانند خود می بینم چه کسانی هستند؟

خدای تعالی فرمود: این پنج تن از نسل تو هستند، اگر آنها نبودند، ترا نمی آفریدم، نامهای آنان را از اسامی خود مشتق کرده ام (و من خود آنان را نامگذاری کرده ام)، اگر این پنج تن نبودند، نه بهشت و دوزخ را می آفریدم و نه عرشی و کرسی را، نه آسمان و زمین را خلق می کردم و نه فرشتگان و انس و جن را.

منم محمود و این محمد است، منم عالی و این علی است، منم فاطر و این فاطمه است، منم احسان و این حسن است، و منم محسن و این حسین است. به عزتم سوگند، هر بشری اگر به مقدار ذره ی بسیار کوچکی کینه و دشمنی هر یک از آنان را در دل داشته باشد، او را در آتش دوزخ می افکنم... یا آدم، این پنج تن، برگزیدگان من هستند و نجات و هلاک هرکس وابسته به حب و بغضی است که نسبت به آنان دارد. یا آدم، هر وقت از من حاجتی می خواهی، به آنان توسل کن.

ابوهریره می گوید، پیامبر اکرم در ادامه ی سخن فرمود: ما پنج تن کشتی نجاتیم، هر کس با ما باشد، نجات یابد، و هر کس که از ما روگردان شود هلاک گردد. پس هر کس حاجتی از خدا می خواهد پس به وسیله ی ما اهل بیت از حضرت حق تبارک و تعالی مسئلت نماید».

حقیقت آنست که پنج تن مقدّس رمز خلقتند:

يَا أَحْمَدُ! لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْإِفْلَاقَ، وَ لَوْلَا عَلِيُّ لَمَا خَلَقْتُكَ، وَ لَوْ لَا فَاطِمَةُ لَمَا خَلَقْتُكُمَا (۱)

ای احمد! اگر تو نبودی آسمان و زمین رانمی آفریدم و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود شما را نمی آفریدم (یعنی شمایان رمز خلقتید).

و فاطمه حوریّه ای بود که چند صبحی لباس آدمیان در بر نمود: (۲)

۱- میر جهانی: (ال) جُنَّةُ الْعَاصِمَةِ، ص ۱۴۸ (به نقل از کشف الآلی صالح بن عبدالوہّاب بن عرندس) (و) مرندي: ملتقى البحرين، ص ۱۴ (و) مستنبط: القطره ج ۱: ص ۱۶۴ (و) قمی: سفينة البحار، ماده «خلق» (و) نمازی: مستدرک سفينة البحار، ج ۳: ص ۳۳۴ (حدیث قدسی)

شاید در نظر نخست این روایت احتیاج به تأمل داشته باشد؛ اما با اندکی دقّت، لطافت تعبیر به کار رفته در آن آشکار می گردد.

همچنانکه می دانید کنیه ی حضرت زهرا (علیه السلام) «ام ابیها» است. در سبب مگّنا شدن حضرتش به این کنیه با مدد از روایتی که از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است – و ما آن را در سطور بالا ذکر نمودیم – که حضرت فرمودند ریشه درخت نبوّت زهرا ی اطهر است و یا روایتی که ذهبی در کتاب میزان الاعتدال (ج ۱: ص ۲۳۴) از رسول خدا نقل می کند که حضرت می فرمایند: «أَنَا شَجَرَةٌ، وَ فَاطِمَةُ أَصْلُهَا، وَ عَلِيُّ لِقَاحُهَا، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَرُهَا» (یعنی من درخت، فاطمه ریشه آن، علی لقاح آن، و حسن و حسین میوه ی آن هستند) آشکار می گردد که خلقت پیامبر، علی، حسن و حسین (علیه السلام) در عالم انوار بسته به خلقت حضرت زهرا (علیها السلام) بوده است. فَاهَمَ فَإِنَّهُ دَقِيقٌ جِدًّا.

۲- خطیب بغدادی: تاریخ بغداد، ج ۵: ص ۸۶/

تصویر حضرت زهرا (سلام الله علیها) در بهشت

«آدم و حوا در کنار هم نشسته بودند که جبرئیل به نزدشان آمد و آنان را همراه خود به داخل قصری از طلا برد، در آنجا تختی از یاقوت قرمز بود و بالای آن تخت قبه ای بود نورافشان، در میان آن قبه چهره ای غرقه در نور، که تاجی بر سر نهاده و دو گوشوار از لؤلؤ در گوشش، و گردن بندی از نور بر گردنش آویخته بود. هر دو از نورانیت حیرت انگیز آن تمثال در شگفت شدند به حدی که حضرت آدم زیبایی همسرش حوا را فراموش نمود (زیرا شاهد یک زیبایی بی سابقه و حسن بی نظیری بود)، لذا روی به جبرئیل کرد و پرسید این صورت کیست؟ جبرئیل گفت: این فاطمه است، و آن تاجش احمد نما، گردن بندش حیدر نما و دو گوشوارش نشانگر حسن و حسین اوست. آنگاه حضرت آدم سر خویش را به سوی قبه نور بلند کرد، و در آنجا این پنج اسم را با خط نور نوشته دید: من محمودم و این محمد است، من اعلی هستم و این علی است، من فاطرم و این فاطمه است، من محسنم و این حسن است، و احسان از من است و این حسین است.

عرض ولایت حضرت زهرا(سلام الله علیها) بر موجودات

در ضمن حدیث معراج آمده است که خداوند فرمود: ای محمد، من، تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان حسین را از نور خودم آفریدم و ولایت شما را بر اهل آسمانها و زمین عرضه کردم، هر کس آن را پذیرفت در نزد من از مؤمنین به حساب آمد و هر کس آن را منکر شد، در نزد من از گمراهان (از ستمگران) محسوب شد، ای محمد! اگر بنده ای از بندگان من آن قدر مرا بپرستد و عبادت کند که از کار افتد و از لاغری و ناتوانی بسان مشک خشکیده و فرسوده ای شود و بعد به هنگام ورود بر من منکر ولایت شما باشد او را نخواهم آمرزید تا اینکه اقرار به ولایت شما نماید.

ای محمد، آیا دوست داری آنان را ببینی؟ گفتم: آری، پروردگارا! فرمود: نگاه کن، من به طرف راست عرش نگرستم، و اسم خود را دیدم و اسم علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن را و اسم مهدی را در وسط آن به گونه ای دیدم که گویا ستاره ای درخشان است فرمود: ای محمد! اینان حجت های من بر آفریدگانم می باشند و این آن کسی است که از فرزندان تو، به شمشیر قیام می کند و از دشمنانم انتقام می گیرد. (۱)

صحبت حضرت زهرا(سلام الله علیها) با مادر قبل از تولد

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: چون حضرت خدیجه سلام الله علیها با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، زنان قریش مکه، از حضرت خدیجه سلام الله علیها دوری گرفتند و دیگر به منزل او رفت و آمد نمی کردند و مانع رفتن زنان دیگر هم می شدند، حضرت خدیجه سلام الله علیها در وحشت و تنهایی بسر می بردند و دلخوشی ایشان فقط به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، تا به حضرت فاطمه سلام الله علیها حمله شدند، حضرت فاطمه سلام الله علیها با مادر در وحشت و تنهایی حدیث می کرد، و در شکم تکلم می نمود و مادر را امر به صبر و بردباری و تحمل در تنهایی نمود به طوری که یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد خانه شدند، دیدند حضرت خدیجه سلام الله علیه با کسی سخن می گوید فرمودند: خدیجه جان: با چه کسی تکلم می کنی؟ عرض کرد: با این فرزند که در شکم من است و انیس تنهایی و مونس دوره ی وحشت و شبهای تاریک من است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای خدیجه اکنون جبرئیل به من خبر داد که این فرزند دختر است و نسل طاهره ی میمونه ی سادات از رحم اوست. و او مادر ذریه من خواهد بود و ائمه دوازده گانه مسلمین که خلفاء و جانشینان حق در زمین هستند از نسل او خواهند بود و این ائمه پس از انقضای وحی حجت خدا بر خلق می باشند.

حضرت زهرا(سلام الله علیها) (خیر کثیر)

حضرت فاطمه سلام الله علیها برای پدر و دیگر مردمان گلی بود که رایحه خوشش حیات آفرین دلها بود، و خداوند او را خیر کثیر نامید. پس جای شگفتی نیست که او بار غم ابتر بودن را از چهره ی پدرش، حضرت محمد صلی الله علیه و آله بزداید، چرا که فرزندان پسر پیامبر صلی الله علیه و آله چندی نمی پایید که رخت بر می بستند و این خود بهانه ای به دست دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله داده بود تا نغمه ساز این سخن شوند که بعد از محمد صلی الله علیه و آله نامی از او نمی ماند.

«بسم الله الرحمن الرحیم، انا اعطیناک الکوثر، فصل لربک وانحر، ان شائک هو الابتر» به نام خداوند بخشنده مهربان، ما کوثر به تو ارزانی داشتیم. پس پروردگار خود را به نماز گرامی دار و قربانی کن. همانا که بدخواه تو ابتر است.

تاریخ و مکان تولد حضرت زهرا(سلام الله علیها)

در تاریخ تولد فاطمه علیها سلام در بین علمای اسلام اختلاف است. لیکن در بین علمای امامیه مشهور است که آن حضرت در روز جمعه بیستم ماه جمادی الثانی سال پنجم بعثت تولد یافته است. (۱)

مکان تولد حضرت زهرا سلام الله علیها در شهر مکه و در خانه خدیجه اتفاق افتاد. این خانه در محله ای است که در گذشته به آن «زقاق العطارین» یعنی کوچه عطارها می گفتند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تا هنگام هجرت، در آن خانه ساکن بود. خانه مبارکی که بارها در آن فرشته وحی بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل گردید. این خانه بعد ها به صورت مسجد درآمد. (۲)

و از آنجا که محل نزول وحی و بخشی از قرآن، زیستگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله) و مکان تولد حضرت زهرا (علیها سلام) بود، در نظر عموم مسلمین ارزش معنوی و قداستی خاص داشت. و از این رو بارها در طول تاریخ هم زمان با تعمیر و توسعه مسجد الحرام، نسبت به مرمت بنای آن اقدام کردند. (۳)

۱- علمای امامیه و علمای عامه در سال ولادت حضرت فاطمه اختلاف دارند. اکثر علمای عامه تولد او را قبل از بعثت می دانند. عبدالرحمن بن جوزی در کتاب تذکره ی الخواص ص ۳۰۶ می نویسد: تاریخ نگاران نوشته اند که فاطمه ی زهرا در سالی متولد شد که قریش به ساختن مسجد الحرام مشغول بودند. یعنی پنج سال قبل از بعثت.

محمد بن یوسف حنفی در کتاب «نظم درر السمطین» ص ۱۷۵ می نویسد: فاطمه در سالی متولد شد که قریش مشغول ساختن کعبه بودند.

طبری در ذخائر العقبی ص ۵۳ از قول عباس نقل می کند که گفت: فاطمه در سالی متولد شد که قریش مشغول ساختن خانه ی کعبه بودند و در آن هنگام پیغمبر در سن سی و پنج سالگی بود.

ابوالفرج در کتاب مقاتل الطالبین ص ۳۰ می نویسد: فاطمه قبل از بعثت در سالی که کعبه بنا می شد به دنیا آمد. مجلسی در کتاب بحار الانوار ج ۴۳ ص ۲۱۳ می نویسد: روزی عبدالله بن حسن بر هشام بن عبدالملک وارد شد در حالی که کلبی نیز در مجلس حضور داشت. هشام به عبدالله گفت: فاطمه چند سال عمر کرد؟ عبدالله در پاسخ گفت: سی سال. سپس همین سوال را از کلبی نمود. او در جواب گفت: سی و پنج سال. هشام رو به عبدالله نمود و گفت: آیا سخن کلبی را شنیدی؟ اطلاعات کلبی در عالم انساب خوب است. عبدالله گفت: یا امیرالمؤمنین احوال مادر مرا از من باید پرسید و احوال مادر کلبی را از او.

اما اکثر علمای امامیه مانند ابن شهر آشوب در مناقب ج ۳ ص ۳۵۷، کلینی در اصول کافی ج ۱ ص ۴۵۸، مجلسی در بحارالانوار ج ۴۳ ص ۶ و حیات القلوب ج ۲ ص ۱۴۹، محدث قمی در منتهی الامال ج ۱ ص ۹۴، محمد تقی سپهر در ناسخ التواریخ ص ۱۷، علی بن عیسی در کشف الغمه ج ۲ ص ۷۵، طبری در دلائل الامامه ص ۱۰ فیض کاشانی در وافی ج ۱ ص ۱۷۳، این دانشمندان و گروه دیگری نوشته اند که فاطمه پنج سال بعد از بعثت تولد یافت: مدرک آنان احادیث است که در این باره از ائمه صادر شده است. ابوبصیر روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرمود: در بیستم جمادی الثانی در هنگامی که پیغمبر چهل و پنج ساله بود به دنیا آمد. هشت سال با پدرش در مکه بود و ده سال در مدینه با پدرش زندگی کرد. بعد از پدر بزرگوارش هفتاد و پنج روز زنده ماند و در روز سوم جمادی الثانی در سال یازدهم هجری وفات نمود. (دلائل الامامه ص ۱۰).

اما بر خوانندگان محترم مخفی نیست که وفات حضرت زهرا در سوم جمادی الثانی با داستان هفتاد و پنج روز زنده ماندن آن حضرت سازگار نیست و با نود و پنج روز مناسب تر است. لذا بعید نیست که لفظ «تسعین» در روایت، با لفظ «سبعین» اشتباه شده باشد.

حبیب سجستانی می گوید: از حضرت ابوجعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: فاطمه دختر محمد، پنج سال بعد از بعثت رسول خدا تولد یافت و در هنگام وفات هیجده سال و هفتاد و پنج روز از عمر شریفش گذشته بود (اصول کافی ج ۱ ص ۴۵۷). در روایتی وارد شده که فاطمه در هنگام عروسی نه ساله بود.

سعید بن مصیب می گوید به حضرت علی بن الحسین عرض کردم: پیغمبر در چه سالی فاطمه را به علی تزویج نمود؟ فرمود: یکسال بعد از هجرت، و در آن تاریخ فاطمه نه ساله بود (روضه کافی چاپ نجف سال ۱۳۸۵ هجری ص ۲۸۱).

در کتاب فرائد السمطین ج ۱ ص ۸۸ می نویسد که ابابکر و عمر از پیامبر (صلی الله علیه و آ) تقاضا کردند که با فاطمه ازدواج کنند. در جواب فرمود: هنوز کوچک است. ولی وقتی علی بن ابی صالب خواستگاری کرد مورد قبول قرار گرفت. این حکایت نیز با تولد بعد از بعثت سازگارتر است، زیرا اگر قبل از بعثت تولد یافته بود در آن زمان ۱۸ ساله بود و دختر ۱۸ ساله صغیر نیست.

از امثال این احادیث استفاده می شود که تولد فاطمه بعد از بعثت رسول اکرم واقع شده است. صاحب کتاب کشف الغمه روایتی نقل کرده که در خود آن حدیث تناقضی وجود دارد: امام محمد باقر فرمود: فاطمه پنج سال بعد از بعثت به دنیا آمد، در همان سالی که قریش مشغول ساختن خانه ی کعبه بودند. و در هنگام وفات هیجده سال و هفتاد و پنج روز از عمر شریفش گذشته بود (کشف الغمه ج ۲ ص ۷۵).

چنان که ملاحظه می فرمایید در خود این حدیث تناقض است. زیرا از یک طرف می گوید: فاطمه پنج سال بعد از بعثت به دنیا آمد، و در هنگام وفات هیجده ساله بود، از طرف دیگر می گوید: در هنگام تولد آن جناب، قریش مشغول ساختن خانه ی کعبه بودند. در صورتی که این دو مطلب قابل جمع نیستند زیرا خانه ی خدا پنج سال قبل از بعثت تجدید بنا شد نه بعد از بعثت. به هر حال باید در این حدیث اشتباهی رخ داده باشد. یا باید گفت کلمه ی «قبل البعثه» اشتباهاً به کلمه «بعد البعثه» تبدیل شده یا جمله «و قریش تبني البيت» از طرف راوی اضافه شده است. کفعمی در مصباح می نویسد: فاطمه در روز جمعه بیستم جمادی الثانی سال دوم بعثت به

چنانکه ملاحظه فرمودید در بین علمای اسلام در مورد تاریخ تولد حضرت زهرا اختلاف شدیدی وجود دارد، اما چون اهل بیت تولد آن حضرت را پنج سال بعد از بعثت دانسته اند قولشان بر قول تاریخ نویسان عامه مقدم است. زیرا ائمه اطهار و اهل بیت پیغمبر و فرزندان زهرا، بهتر از دیگران از سن مادرشان خبر دارند.

ممکن است کسی بگوید که: خدیجه در سال دهم بعثت وفات نمود و در هنگام وفات شصت و پنج ساله بود. بنابراین، اگر فاطمه در سال پنجم بعثت تولد یافته باشد باید خدیجه در سن پنجاه و نه سالگی آبستن شده باشد. چگونه می توان این مطلب را باور کرد؟!.

ما در پاسخ به این اشکال می توانیم دو مطلب را بگوییم:

اولاً: این موضوع مسلم نیست که خدیجه در هنگام وفات شصت و پنج ساله باشد. بلکه بنابر قول ابن عباس باید سنش در موقع آبستن شدن به فاطمه، در حدود چهل و هشت سالگی باشد. زیرا ابن عباس می گوید خدیجه در سن بیست و هشت سالگی با پیغمبر عروسی کرد (کشف الغمه ج ۲ ص ۱۳۹) و قول ابن عباس نیز بر سایرین تقدم دارد. زیرا خویشان پیغمبر بهتر از دیگران از وضع داخلی خودشان اطلاع دارند.

بنابراین روایت، خدیجه در هنگام بعثت رسول خدا، چهل و سه ساله بوده و در سال پنجم بعثت که سال تولد فاطمه است در حدود چهل و هشت سال عمر داشته و آبستن شدن در این سنین غیر عادی نیست.

ثانیاً: اگر قول ابن عباس را هم قبول نکنیم و بگوییم خدیجه در سن چهل سالگی ازدواج کرده و قاعدتا باید در سن پنجاه و نه سالگی آبستن شده باشد، باز هم امر محالی نیست زیرا فقها و دانشمندان نوشته اند که زنهای قریشی تا سن شصت سالگی عادت می شوند و آبستن شدن نیز برایشان امکان دارد. خدیجه هم از طائفه قریش و مشمول این قاعده است.

بعلاوه، درست است که آبستن شدن زن در این سنین نادرالعقول است لیکن در تاریخ نمونه هایی داشته و دارد: زنی به نام اکرم موسوی در «سرخون» بندرعباس دو قلو زایید.

این زن ۶۵ سال دارد و شوهرش ۷۴ ساله است... یک پزشک معروف به خبرنگار اطلاعات اظهار داشت به طوری که تاریخ پزشکی نشان می دهد کم سن ترین زنی که حامله شده است فقط چهارسال و هفت ماه داشت و مسن ترین مادران جهان ۶۷ ساله بوده است. (اطلاعات ۲۸ بهمن ۱۳۵۱).

یک زن ۶۶ ساله ای به نام شوشنا در اصفهان وضع حمل کرد و پسری به دنیا آورد. یحیی شوهر این زن به خبرنگار اطلاعات گفت: هشت فرزند دارم. چهار پسر و چهار دختر. بزرگترین فرزندم ۵۰ ساله و کوچکترین آنها ۲۵ ساله است.

(اطلاعات ۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۱).

چه مانع دارد خدیجه نیز یکی از همین افراد کمیاب باشد؟.

در خاتمه لازم است بدین نکته توجه داشته باشید که اختلافی که در مورد تاریخ تولد حضرت فاطمه سلام الله علیها دیده می شود، به سن شریفش هنگام ازدواج و وفات نیز سرایت می کند. زیرا اگر تاریخ تولد را پنج سال قبل از بعثت بدانیم باید در هنگام ازدواج در حدود هیجده ساله باشد و در هنگام وفات، بیست و هشت ساله، اما اگر پنج سال بعد از بعثت متولد شده باشد، باید در هنگام عروسی در حدود نه ساله باشد و در هنگام وفات هیجده ساله.

۲ - کامل ابن اثیر ج ۲ ص ۴۰/

۳ - شفاء الغرام ج ۱ ص ۲۷۲ - مراه الحرمین ج ۱ ص ۱۸۹/۱۹۲

تولد حضرت زهرا(سسلم الله علیها) و بشارت جبرئیل به رسول خدا(صلی الله علیه وآله)

هنگامی که فاطمه زهرا علیها سلام به دنیا آمد. فرشته وحی بر وجود مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل گشت و از جانب پروردگار مهربان بر وی پیام آورد که «اللّٰهُ یَقْرُؤُکَ السّلام و یَقْرِی مَوْلُودَکَ السّلام.»

خداوند تبارک و تعالی بر تو و فرزند نو رسیده ات درود می فرستد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با شنیدن خبر تولد فاطمه علیها سلام در مقابل پروردگار سر به سجده شکر گذارد، و خدای عزوجل را بر عطای این نعمت مبارک و میمون سپاس گفت. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بسیار شادمان و خرسند بود. زیرا که پیش از این خداوند در سوره کوثر بشارت آمدن او را به وی داده بود. و نیز از فرشته ی وحی شنیده بود که: «أَنها نسله الطاهره المیمونه و ان الله تبارک و تعالی سیجعل نسلک منها و سیجعل من نسلها ائمه و یجعلهم خلفاءه فی ارضه بعد انقضاء وحیه.»